

مجموعه قطب

درسلسله مقالات پیشین در
باب وسایل تربیت از جمله تربیت
با سمرشق، پند و اندرز
داستانسراشی و ... سخن گفتیم
و اینک ادامه مطلب



آن کسیکه اینهمه کوشش را برای تربیتش به
روش اسلامی به کار بردیم کیست؟ کدام
انسانی است که او را به وسائل تربیتی
از قبیل سمرشق و پند و اندرز و داستانسراشی
و عادت و پیشامدها ... تربیت کردیم؟

میوه تربیت

نیز بگو چشم از گناهان پوشند و اندامهای خویش از گناه حفظ کنند. "۴"

" حیا از ایمان است. "۵"

آری ما در برابر شخصی قرار گرفته ایم که از رخسارش نور تقوا پرتو افشان است و از جمال بیمثالش خشوع آشکار است و در حرکت و گفتارش آرامش و وقار و شرم نشان داده می شود. ولی ، آرامش و رقت و با حیائیش ترانفریبید که گمان کنی اینها از ضعف او است !

این نمونه ما در مقابل هیچکس ناتوان و خاشع و سر بر آستان گذار و خوار و واله و شیدانیست جز خدا. تنها خدائی که شریک ندارد. اما جز در مقابل خدا، همان شخص توانا، سختگیر، بسیار نیرومند و استوار است.

این آرامش و رقت نشان دهنده سختگیری و خشم در مقابل کسی است که به یکی از مقدسات او تجاوز و تعدی کند! در این موقع خصوصیت و صفت دیگری از او ظاهر می شود که تکمیل کننده صفت نخست است :

" محمد رسول خدا است ، کسانی که بسا او هستند بر کافران بس سختگیر و با شدت عمل و در میان خود بسیار مهربان. "۶"

آری نه شدت عمل مانع مهربانی است و نه مهربانی مانع سختگیری، هر یک در جای خود اعمال می شود. هر دو هم درست می باشند. در هر جا و مناسبت و در برابر هر کسی رقت و مهربانی بطور مطلق اعمال نمی شود.

به همین ترتیب ، سختگیری و شدت عمل هم آنچنان بیخود و پوچ و بیهوده نیست که از شدت و بیجائی همه طبع انسان را مسموم کند.

می گوئیم آن چهره " انسان صالح " است ... آن انسان چگونه چهره‌ای دارد؟ چگونه چهره‌ای است که ممکن باشد رشته‌های آنرا به دست گرفته خطوط آشکار و نهانش را پیروی کرده برای سرمشق به عنوان یک نمونه عالی در معرض انظار قرارش دهیم ؟

بدیهی است می گوئیم او انسان عابدی است . چهره‌ای است که در تمام لحظات زندگیش مورد مطالعه و بررسی ما قرار می گیرد . به عبارت دیگر ، این شخص ، در هر کاری که می کند ، در هر رفتاری که از او سر می زند و هر فکری که در ذهنش خطور کند ، به خدا متصل بوده ، او را در نظر دارد و بسه جانب او متوجه است .

این تصویر خطوط چهره این انسان را به روشنی و کمال به دست ما نمی دهد ، بایست صفات و نشانیهای عامتری از او رسم کنیم . بالاخره نیازمند توضیح بیشتری در اینباره هستیم .

خواهیم گفت خطوط روشن تقوا ، فروتنی و شرم بر چهره اش نمایان است :

" هان بدانید که گرمی ترین فرد شما نزد خدا کسی است که از همه با تفاوت باشد " ۱
" در چهره‌هایشان نشانه‌هایی از سجده نمایان است. " ۲

" زنان و مردان مسلمان ... زنان و مردان با خشوع و خضوع ... خداوند آموزش و پاداش بزرگی بر ایشان مهیا ساخته است. " ۳

" به مردان مومن بگو تا چشم از گناهان بپوشند و اندام خود را حفظ کنند که برای پاکیزگی‌شان بهتر است ... به زنان با ایمان

از این وسائل کارگر نیفتاد و موثر واقع نشد
جز سختگیری چیزی فایده نمی بخشید، در
اینموقع شدت عمل صحیح است .

مومن در تمام حالاتش قوی است ، و بر همه
حالاتش چیرگی دارد : " نه احساس خواروی و
و کوچکی کنید و نه اندوهی به خود راه دهید ،
شما از همه برترید اگر مومن باشید . " ۱۳
این یکی از خصوصیات او است .

مومن در حالت خوشی ، متکبرانه چیرگی
نمی یابد و در حالت فراخی نعمت اجساس
خوشی و انبساط دروغین نمی کند .

چون این کار استعلاء و چیرگی نیست ، کبر و
غرور احمقانه ایست که اسلام آنرا دوست ندارد :
" و هرگز با تکبر و ناز از مردم رخ متاب و با
نبختر و ناز برزوی زمین قدم بر مدار زیرا خدا
مردم متکبر خود ستارا دوست ندارد . در
رفتارت میانه روی اختیار کن و سخن آرام و نرم
گو زیرا ناخوشترین صداها صدای خراست . " ۱۳
" هرگز در زمین به کبر و ناز فرو که نه بانیرو
زمین را توانی شکافت و نه در سر بلندی بکوه
خواهی رسید . " ۱۴

دعوتی است به تواضع و میانه روی و اعتدال .
وقتی واقعا " می توان احساس برتری کرد که
شخص از خدا عزت بخواید ، خود را از هر
مدلتی حفظ کند و آنرا برتر از هر چه غیر خدا
است بداند ، هر آلودگی را که بدان رسیده است
بزداید و آنرا از هر خضوع و خشوعی که باعث
رسیدن آزار و اذیتی به شخص شود باز دارد .

لذا این حالات شخص مومن منحصر به
ساعات پیروزی و غلبه و خوشی او نیست .
هنگامی به مومنین یاد آوری می کند که شما

بلکه آنچنان خوی نرم و جاندار و قابل
انعطافی است که در هر موقعیتی به تناسب همان
موقعیت به کار می رود ، کسیکه هم حس رحمت
و مهربانی را می تواند در درون خود داشته
باشد هم نیروی سختگیری را ، هر وقت و هر جا
که بخواهد آزادی از آندو مدد می گیرد .
رسول خدا را راهنمایی می کند که در برابر
کفار و منافقان چگونه رفتاری پیشه کند :

" ای پیغمبر با کفار و دورویان بجنگ و بر
آنان سخت بگیر " ۷

آنحضرت را در همان وقت در رفتار خود
نسبت به مومنان هم راهنمایی می کند :

" مرحمت خدا ترا با خلق خوشخوی و مهربان
گردانید ، اگر تند خو و سخت دل بودی مردم
از گرد تو منفرق می شدند . " ۸

این خشونت نسبت به کفار خشونت طبیعی
و سنگدلی ذاتی نیست . خدا این دو صفت
کینه جو یا نه را از پیغمبرش نفی می کند .
آنرا نیروئی قرار داده است برای مقابله با
شر زیرا بالاخره منتهی به خیر می گردد .

در این صفت کلیدی به دست مومن می دهد
تا موقعیت و تناسب به کار بردن آنرا بداند .

آخرین هدفش خیر است . به تمام راههای
ممکن بدین هدف می رسد . این کلمه طیبه
برای دفع شر مومن را بسنده است : " عمل
بد دشمنان خود را به بهترین وجهی پاسخ ده
که گو یا بین تو و آن دشمنان دوستی و صمیمیت
برقرار است " ۹ " بدی را به بهترین وجه پاسخ
ده . " ۱۰ در واقع نیک پند و اندرز دادن است که
به نتیجه می رسد :

" با پندهای حکیمانه و اندرزهای نیکو مردم را
به راه پروردگارت دعوت کن . " ۱۱ چون هیچیک

از همه برترید که در جنگ شکست خورده‌اند و کفار غلبه کرده‌اند: "نه احساس خسواری و کوچکی کنید و نه اندوهی بخود راه دهید، شما از همه برترید اگر مومن باشید. اگر به شما آسیبی رسید به دشمنان شما هم (در جنگ دیگر) آسیب رسید. این روزگار را دست به دست بین مردم می‌گردانیم." مومنان برتری خود را حفظ می‌کنند اگر چه در جنگ شکست خورده باشند. از اولین لحظه‌ای که ایمان وارد قلبشان شد برتر می‌شوند، جهت فعالیتشان در زمین روشن و بر هر بهره و نصیبی چیره و قاهرند.

این استعلاء و برتری از بارزترین نشانیهای انسان مومن است. این خصوصیت در همه مراحل حیات و موقعیت‌ها همراه انسان صالح است، هر جا شایسته باشد بدان طریق رفتار کند می‌کند.

مومن در روی ظلم و ستم چیره است و می‌ایستد اگر چه در حال هزیمت و شکست باشد زیرا این برتری و چیرگی خود را در لحظه پیروزی به دست نیاورده است که در لحظه شکست از دست بدهد. آنها از نیروی ایمان به خدا و ارتباط با حضرتش به دست آورده است. لذا نه هزیمت آنها از بین می‌برد و نه پیروزی بازش می‌گرداند، نیروئی است در درون جان مومن که در همه حال با او است.

شخص مومن اگر چه در زندگی نیازمند باشد ولی در برابر فریبدهندگان و اشیاء فریبا می‌ایستد، زیرا سزاوار نیست مومن به خدا واصل شده انحراف از راه خدا و مخالفت از دستورها و فرمانهایش پیشه کند، زیرا هر چیزی با همه عظمتش در مقابل عظمت خداست و نا چیز و با همه فراوانیش در برابر بقای خدا فانی

است، تنها خدا باقی است و حساب خدا: "ای رسول ما) هرگز به مقدار ناچیزی از بهره‌های شکوفان دنیا که به گروه دنیا با هم داده‌ایم چشم آرزومگشا، این بهره‌ها را برای امتحان به آنان داده‌ایم. رزق خدای تو بسیار بهتر و پایدارتر است." ۱۵

اگر چه مومن سوزش شهوت را در اعصاب خود احساس کند باز هم در مقابل آن چیره و غالب است، زیرا این مومن به حق نائل شده نزد خدا گرامیتر و ارجمندتر از آنست که در برابر شهوات آلوده خوار گردد و در گسل فروماند. برای اندک لذت ناپایداری که او را بی‌نیاز نمی‌کند، در صورتیکه پاکیزه و بهتر از آنها از راه حلال بهره‌مند شده و پیوسته بهتر از آنها نزد خدا خواهد دید: "و آنانکه وسیله نکاح و ازدواج نیابند باید عفت نفس پیشه کنند تا خدا آنها را از فضل و لطف خود بی‌نیاز گرداند." ۱۶

انسان صالح در برابر ارزشهای دروغین فریبا می‌ایستد، زیرا از ارزشهای حقیقی خدا داده و راه خدا کمک گرفته است. ارزشهای بشر ساخته او را متزلزل نمی‌کند. این ارزشهای بشری جز در ظاهر امر، نه و الا مرتبه‌اند و نه دون و ممکن نیست برادراکات و جان و ارزشهای خدادادی او چیره شوند، هرگز در سنجش واقع بینانه مومن، ارزشهای کاذب با ارزشهای حقیقی الهی برابری نمی‌کنند و در حقایق اشیاء تغییری نمی‌دهند: "و همیشه با شکیبائی خود را پاکسانی برابر و همراه کن که صبح و شام خدا را می‌خوانند و رضای او را می‌طلبند یک لحظه از آنان چشم مپوش که بمزینتهای دنیا مایل شوی. هرگز پیروی از کسی مکن که ما

قرار گیرند بدانها سلام می کنند (باصفا و صلح از آنان رد میشوند) " ۱۹

انسان صالح در غیر اینصورت اشخاصی با کششهای انسانی هستند. قلبشان سر چشمه لبریزی از عطوفت نسبت به بنی نوع انسان است با تمام ناتوانیهای خاص بشری و حرص و آز و ستیزگی و غروری که در نهاد شان نهفته است .

به یاد دارد همه انسانها از نفس واحدی منشاء گرفته اند: او کسی است که همه شماره از یک نفس آفرید " ۲۰ به یاد دارد که با این بشر برادر است . به یاد دارد با نفس خود مبارزه کرده گاه او را مغلوب و خاضع می سازد و عطفوت نسبت به مردم را بدو یاد می دهد تا اگر لغزشی مرتکب شدند عذرشان را بپذیرد : " بشتابید به جانب آموزش پروردگارتان و بهشتی که به پهنای آسمانها و زمینی آماده شده است برای اهل تقوا یعنی کسانی که در خوشی و سختی مال خود را انفاق کرده ، خشم خود را فرو می خورند و از (لغزشهای) مردم چشم می پوشند . " ۲۱

باکشش و انگیزه انسانی خود خیر و خوبی را برای مردم می خواهد و اگر چه ممکن است آنرا نشناسد و ارتباط خویشی و آشنائی با آنان نداشته باشد باز هم احساس مهربانی نسبت به آنان می کند . با کشش انسانی خود نیروهای خویش را در راه نفع دیگران به کار می اندازد و کاری می کند که به عده بیشتری از مسرمد نفعش برسد ، رسول خدا فرمود :

" هیچ فرزند آدمی نیست مگر اینکه بسزا و واجبست هر روزی که آفتاب در آن می تابد

دلش را از یاد خود غافل کرده ایم و او هم از هوای نفس خود تبعیت می کند و کارش تبهکاری است . بگو حق همان است که از جانب پروردگارتان رسیده است ، هر که می خواهد ایمان بیاورد و هر که خواهد کافر شود . " ۱۷

اگر استعلا و چیرگی می یابد بدین نحو است . نه با ناز و تکبر روی از مردم می تابد و نه با تبختر بر روی زمین قدم بر می دارد ، اینها خیلی کوچکتر از آنست که باعث برتری خواهی مومن شود ! زیرا مردم از جهت ایمانش او را محترم شمرده با ارزش می دانند ، مردم احساس می کنند " حقیقت " محکمی در درون او است ، تو خالی و بادی نیست که بانندک تصادمی در برود .

آری مومن در این برتریجویی خود مردم را تحقیر نمی کند . از خصوصیات و نشانیهای انسان مومن صالح این نیست که دیگران را کوچک شمرد . جز اینکه در صد آزار و اذیت او باشند که در اینصورت با خرد نگریستن در آنان از خود دفاع می کند . همانگونه که خدا داد و فریاد را دوست ندارد مگر اینکه از از ستمدیده های باشد که در اینصورت تصریح می کند باید با داد و بیداد از خود دفاع کند : " خدای دوست ندارد کسی با داد و فریاد بد گوئی کند مگر برای کسی که بدو ظلمی رسیده باشد . " مشخص مومن هم با تحقیر ستمکاران و اظهار نیروی برتری خود بر آنان ، از تجاوزشان بر کوچکان و ستمدیدگان رفع ظلم می کند : " بندگان واقعی خدا به سبکی بر زمین قدم برداشته چون مورد عتاب و خطاب نادانان



صدقای بدهد . گفته شد : ای رسول خدا! از کجا بیاوریم صدقه بدهیم ؟ فرمود : صدقه تنها پول و مال دادن نیست . درهای خیرونیکوکاری فراوان است ، تسبیح ، شکر نعمت گزاردن ، خدا را بزرگ داشتن ، جز خدای واحد به خدایان دیگر معتقد نبودن ، امر به معروف و نهی از منکر کردن همه از راههای خیر و جز صدقه است . چون رنج و اذیتی را از سر راه برداری ، مطلبی را به کری بفهمانی ، کوری را راهنمایی کنی ، حاجت حاجت خواهی را بر آوری ، با تمام قدرت دو پایت ، در راه درمانده فریاد خواهی قدم برداری ، با قدرت دو بازویت بار افتاده ضعیفی را برداری ، همه اینها صدقه است . ۲۳

نه تنها در این گونه کارها با صفات و انگیزه انسانی اقدام می کند ، می کوشد جنگ و کشتارش هم در راه خدا و بخاطر خدمت به انسانیت باشد : " خداوند نیکوکاری و اقدام نیک را در هر چیزی واجب کرده است : اگر کشتار می کنید

به بهترین وجهی بکشید و جنگ کنید ، اگر حیوانی را ذبح می کنید به نیکوترین طریق باشد بدین ترتیب که کارد خود را آنچنان تیز کنید که حیوان به راحتی کشته شود . ۲۳

- | | |
|--|--|
| ۱۳- لقمان / ۱۸ و ۱۹ | ۱- الحجرات / ۱۳ |
| ۱۴- الاسراء / ۳۷ | ۲- الفتح / ۲۹ |
| ۱۵- طه / ۱۳۱ | ۳- الاحزاب / ۳۵ |
| ۱۶- النور / ۳۳ | ۴- النور / ۳۱ - ۴۰ |
| ۱۷- الکهف / ۲۹ - ۲۸ | ۵- حدیث نبوی به روایت بخاری و مسلم و ابوداود و ترمذی و نسائی |
| ۱۸- النساء / ۱۴۸ | ۶- الفتح / ۲۹ |
| ۱۹- الفرقان / ۶۳ | ۷- التوبه / ۷۳ |
| ۲۰- الاعراف / ۱۸۹ | ۸- آل عمران / ۱۵۹ |
| ۲۱- آل عمران / ۱۳۴ - ۱۳۳ | ۹- فصلت / ۲۲ |
| ۲۲- به روایت ابن حبان و بیهقی . | ۱۰- المومنون / ۹۷ |
| ۲۳- حدیث نبوی به روایت مسلم و ابوداود و ترمذی و نسائی و ابن ماجه . | ۱۱- النحل / ۱۲۵ |
| | ۱۲- آل عمران / ۱۳۹ |